

نوسازی در عین وفاداری

نگاهی به احیا و نوسازی میراث تاریخی چند شهر دنیا

هدی جاودانی / نوسازی شهری تنها به معنای حفاظت از عمارت های تاریخی با اهمیت نیست و حفاظت و بازسازی هر چیز قدیمی نیز در معنای آن نمی گنجد؛ نوسازی به معنای استفاده مجدد و خلاقانه از قسمت های قدیمی تر یک شهر و در تناسب با کل شهر است. هر جا که امکان آن فراهم باشد، برای آنکه بتوان از ساختمان های قدیمی استفاده مفید کرد، باید به تعمیر، بازسازی و تجهیز آن ها پرداخت. این اقدامات معمولاً اصلاحات زیربنایی، اعم از تعویض سیستم های لوله کشی، فاضلاب، راه ها و... متناسب با الگوهای شهری موجود، رانیز شامل می شود. هنگام نوسازی، در صورت نیاز، ساختمان های می توانند تغییر کاربری پیدا کنند، اما تخریب ساختمان ها تنها زمانی باید اتفاق بیفتد که اسکلت ساختمان دیگر قابل اطمینان نباشد. در مواقعی نیز برای افزایش فضا در ساختمان یا افزودن امکاناتی به آن، می توان قسمت هایی از ساختمان را تخریب کرد. هدف اصلی در پروژه های نوسازی شهری، در وهله اول، توجه به ساکنان ساختمان هاست. در صورت تخریب، تعمیر یا تجهیز ساختمان، باید حداقل جابه جایی و سرگردانی ممکن برای ساکنان ساختمان ها اتفاق بیفتد. تغییرات باید تا جایی پیش برود که به زندگی مردم منطقه آسیب برسانده نشود و ساختمان جدید با فضای اجتماعی و فرهنگی منطقه خود سازگاری داشته باشد.

● وزیرعازسازی به سبک سنتی



اهمیت بسیاری داشته است و تاحد امکان از روش های سنتی استفاده شده و تنها زمانی که این روش ها دیگر پاسخ گو نبوده اند، روش های مدرن برای ساخت وساز مورد استفاده قرار گرفته اند. در مرمت، جای گذاری قسمت های گمشده در سازگاری کامل با دیگر قسمت های عمارت ها صورت می گیرد اما در عین حال این قسمت ها از قسمت های اصل و قدیمی باقی مانده در ساختمان متمایزند تا در آینده موجب گمراهی باستان شناسان نشوند. بخش های جدید نیز تنها در صورتی می توانستند اضافه شوند که از قسمت های جالب توجه تاریخی و بافت سنتی ساختمان، جلوه بیشتری نداشته باشند و ساختار آنان در هماهنگی با جزیای پیرامونشان باشد.

● سوژو نوین آسیا



خانه های تاریخی منطقه پینگ جیانگ و همچنین اقدامات زیربنایی و تعویض و نوسازی تأسیسات شهری از جمله اقداماتی است که در جهت حفاظت از میراث تاریخی سوژو صورت گرفته است. هم زمان، در جهت حفاظت از میراث فرهنگی شهری، ساکنان اصلی خانه های بازسازی شده در محل زندگی خود باقی مانده و آثار هنری و قدیمی موجود در این عمارت ها نگهداری و حفاظت شده اند.

● رم، پایتخت ایتالیا، یکی از قدیمی ترین



شهرهای جهان با تاریخی ۲۵۰۰ ساله است و میراث تاریخی معماری آن از دوران روم باستان آغاز می شود و معماری فاشستی، در بازه سال های ۹۲۰ تا ۹۴۰ رانیز شامل می شود. در حفاظت و نگهداری از معماری رم، تمرکز کارشناسان بر نقشه های تاریخی و اولیه عمارت ها بوده است. البته این شیوه، محدودیت هایی را بر سر راه توسعه شهری قرار داده است. به طور مثال، خیابان های نامنظم و پارک رم برای عبور و مرور خود روه نامناسب نیستند و ترافیک های شهری را به بار آورده اند. رم توانسته هماهنگی مناسبی میان عمارت های سنتی و مدرن خود ایجاد کند و در همین راستا بسیاری از ساختمان های مدرن خود را در قسمت هایی از شهر متمرکز کرده که بناهای تاریخی با اهمیت در آن قرار نگرفته است. پروژه های بازسازی گسترده ای تا حال در رم اجرا شده که هدف آن ها احیا و توسعه میراث رم با در نظر گرفتن همه جوانب هنری، محیط زیستی، باستان شناختی، معماری و تاریخی بوده است.

● سنگاپور؛ آگاهی از طریق برگزاری جشنواره



حفاظت از میراث تاریخی در سنگاپور در چند منطقه تاریخی چنانچا ون، کمپونگ گلم و لیتل ایندیا، که از لحاظ فرهنگی از اهمیت بسیار برخوردارند، صورت گرفته است. برای اینکه چنین میراثی برای عامه مردم در دسترس و قابل استفاده باشد، چندین خیابان در این مناطق به محل های رایگان پارک خودرو مجهز شده اند و کاربران مردم می توانند در این خیابان ها پیاده روی کنند، به سرتوران های آن سر بزنند یا مغازه های آن خرید کنند. هیئت حفاظت از میراث تاریخی سنگاپور، برای حمایت از این مناطق تاریخی، در قالب جشنواره های، تاریخ این مناطق را برای مردم بازگویی کند و آگاهی آنان را در این باره افزایش می دهد.

تناسب رومی - ایرانی

عبد... مقدمی | «معماری امروز چقدر متناسب با نیازهای شهر وندان است؟» اگر همین الان آقای حسینی بای از توی لوله بخاری خانه بیرون بیاید و این سؤال را از من پرسد، نمی توانم حتی یک کلمه به آن پاسخ بدهم. به چند دلیل زبانم بندی می آید. اولاً همین که هیبت آن بزرگوار را ببینم که مثل غول چراغ جادو از توی لوله بخاری درمی آید، نه تنها زبان، بلکه قلبم هم متعطل می شود. ثانیاً حالا فرض کنیم که جان جواب دادن هم داشته باشم؛ چه می خواهم بگویم؟ لابد می گویم: «خیر برادر من! چه تناسبی؟ الان بیشتر ساختمان های مملکت چه اصالتی دارند؟ از آن همه شکوه معماری چند هزار ساله ایرانی و اسلامی، برایمان چاره مانده؟ شیشه و فلکس سبزو آبی، آلومینیوم و سنگ مرمر نما رومی... بد می گویم؟» آن وقت است که مشاور املاک سر کوچه هم از لوله می آید بیرون و می گوید: «بله داداش!

شهر فرنگ

روزنامه شهرامسید وزنگی

اشنبه

۱۲ خرداد ۱۳۹۸
۲۲ خرداد ۱۳۹۸
۲۳ خرداد ۱۳۹۸

۱۵



تجدید و نوین سازی

سلیقه مبنای معماری نیست

درباره معماری شهری و اینکه فضای شهر ما به لحاظ معماری چقدر متناسب با نیازهای ما است

ملیحه ابراهیمی یزدی - «تئذینبات اخیر معماری ما به دوره گذار یعنی اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی باز می گردد. در آن دوران معماران سعی کردند خواسته های کارفرمایان خود را از جمله تجار که اهل رفت و آمد با دیگر کشورها بوده اند، اجرا کنند و به نمایش بگذارند.» این جمله، بخشی از صحبت های محمدهادی عرفان، مهندس

معمار است. وی اولین معماری است که با استفاده از معماری برگرفته از احادیث اسلامی، حال و هوای متفاوتی به فضای خانه خود بخشیده است. با این مدرس دانشگاه، ساعتی را در برخی محلات شهر قدم زدیم و نوع معماری کنونی را و اینکه تا چه اندازه متناسب با نیازهای شهر و شهر وندی است، زیر ذره بین بردیم. در ادامه این گفت و گو را می خوانید.

هیچ برداشتی از گفتمان شهری نداریم



با یک بافت شهری روبه روهستیم که هرچند سالانوعی پوشش مواجهه است. به لحاظ نگاه هرمنوتیکی بناهایی که تاریخ محور هستند به خودی خود تأیید شده هستند؛ چرا که شناسنامه هر دوره ای محسوب می شوند، اما در شرایط کنونی، هیچ برداشتی از گفتمان شهری نداریم. نتیجه این تضاد منافع تبدیل می شود به اینکه سرمایه داران، نیاز خود را به خود نمایی در بناها برآورده می کنند. گاهی این مدل نگاه، مدیریت شهری را متضرر می کند؛ به عنوان مثال وقتی برخی ساخته می شود مالک از این راه، ثروتی تولید می کند و در قبال آن ثروت، هزینه متناسبی را به مدیریت شهری تزریق نمی کند؛ چرا که مدیریت شهری برخی گزینه ها را محاسبه نکرده است.



کند. در آخرین تحول، طرح های جامع با رویکرد راهبردی تهیه می شود. بهتر است با تلاش به راهبردهای مشخص برسیم. اولین گام برای تحقق این هدف، آن است که رصدخانه شهری را تأسیس کنیم، اطلاعات شناخت شهر را شبکه ای و به روز و از آن ها با نگاه چند تخصصی فراتحلیل کنیم.



سه گانه مردم، شهرداری و جامعه معماری

خوب است نگاه عوض شود. در خود کلمه فرهنگ سازی، پسوند «ساز» بن مضارع و فعل امر است و درواقع نگاه از بالا به پایین است. مگر مردم بی فرهنگ اند؟! قرار است با یک سازوکار سه گانه متشکل از مردم، مدیریت شهری و جامعه تخصصی معماری، سیما و منظر شهر شکل بگیرد. این اتفاق، زمانی میسر می شود که گفت و گو بین مناسب بین این ۳ ضلع شکل بگیرد. مردم باید بدانند که از جامعه معماری دنبال چه هستند و از مهندسی معماری چه می خواهند و این مهم دست رسانه ها است تا به این سؤال پاسخ دهند معماری کجای سبک زندگی شان است.

مردم باید بدانند کیفیت می خزند

در کشوری زندگی می کنیم که جامعه معماری، یک نظام مهندسی مستقل ندارد. در ایران مهندس عمران، مکانیک، معمار، تأسیسات، شهرسازی، ترافیک و نقشه برداری، همه با هم در نظام مهندسی ساختمان قرار می گیرند. معماری مقوله کیفیت فضا است. مردم باید بدانند کیفیت را می خزند. معمار خالق پروژه است و بقیه مهندسان مکمل هستند. ناچار نیستیم در دو گانه سنت و مدرنیته گیر کنیم. باید دنیا را از اطراف رطیف کنیم، به عنوان مثال در برخی ایالت های مالی برای رنگ نماها از مردم رأی می گیرند؛ این در حال است که در مشهد، هر پروژه ای با هر مترپایالی طراحی می شود و تقریباً ممنوعیتی در قانون شهری نداریم.

درون گرابودن در زن برخی شهرهاست

مشهد از چند صد سال اخیر (دوران شاه عباس) دچار تغییر شده است. در شهر بافت نشده مرتبی نداریم. درون گرابودن در زن برخی شهرهاست. قبول کنیم که شهر به سمت بی نمای بودن رفته است و از سوی دیگر طی ۲۰ سال اخیر، جنبه به رخ کشیدن، به عنوان عنصری از ویژگی های اجتماعی، باعث بروز معماری فخر فروشانه شده است. این معماری در بسیاری مواقع با کیفیت همراه نیست و یک منظره نامناسب و پرهزینه را که با حداقل های یک شهرمخوانی ندارد، به شهر تحمیل کرده است.



از پازل شهر باشد، با درک فضا، بستر و هویت یک معمار باید بتواند به معماری به مثابه راهحلی برای مسائل اجتماعی که شهروند معاصر با آن روبه روست و شیوه زندگی اش را متاثر کند. باید پیریم هنوز از ظرفیت تخصصی معماری در حل مسائل مختلف شهری، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به نحو مطلوب استفاده نشده است. این مهم در کنار ارتباط دوسویه معماران و مردم، ضلع سومی را نیز به مشارکت می طلبد و آن تلاش مسئولان دولتی آگاه و دغدغه مند است.

لیلا کشاورز
معمار و طراح شهری

هرچند چگونگی مجوز گرفتن این گونه نماها در کمیسیون نما، بحث دیگری است. توان بخشی آموزشی معماران و افزایش آگاهی آن ها به منظور تولید معماری مؤثر، راهگشاست. آن ها باید دغدغه مسائل شهری را در اولویت قرار دهند و دانش معماری را برای حل مسائل به خدمت بگیرند. معماران باید بتوانند با مردم گفت و گو کنند و با نگاه تخصصی خود، راهحلی برای مسائل همچون عدم توازن شهری و منطقه ای ارائه و کیفیت زندگی شهروندان را ارتقا دهند. در این صورت جامعه نگاه متفاوتی به معماری و معماران خواهد داشت. نگامیه بنای معماری باید همچون نگاه به تکه ای

ایجاد شبکه ها و حلقه های اجتماعی با هدف به کارگیری مسئولیت اجتماعی مردم و ارتقای ذائقه و حساسیت عمومی آن ها، همچنین استفاده از ظرفیت استثنایی فارغ التحصیلان و دانشجویان رشته معماری، می تواند نا آگاهی مردم از نیازهای واقعی خود در زمینه معماری، پاسخ های اشتباه معماران را در برابر این نیازها دری داشته است. یکی از آشکارترین نمودهای این بخش، رشد قارچ گونه ساختمان های به اصطلاح «لاکچری» در سطح شهرهاست؛ ساختمان هایی که صرفاً دغدغه «لوکس دیده شدن» را دارند.

شهری خوبی می تواند به عنوان آلتزناتیوی برای حل معضلات اجتماعی و شهری در نظر گرفته شود. اما سؤال اساسی این است: آیا مردم دغدغه ای برای یافتن معماری خوب دارند؟ و پرسش اساسی تر آنکه: آیا مردم به معماری به عنوان راهحلی برای رفع مشکلات شهری، اجتماعی و فرهنگی نگاهی کنند و از آن آگاهی دارند؟ معماری دغدغه مند، نیاز به مردم دغدغه مند دارد. هر شهروند باید آگاهی داشته باشد و معمار خوب، حق اوست. بخش بنیادها را اغلب موارد، به عنوان تک نبوده می شوند و باز منیه خود، همگونی ندارند و دید شهری در طراحی آن مطرح نبوده است؛ حال آنکه پروژه های معماری و

آفت تبعیت از مد



وقتی ادبیات گفت و گو بین شهروند و مدیریت شهری تبدیل به مالک و شهرداری می شود و شهروند «مالک» خطاب می شود، به سرعت طرفین گفت و گو به سمت منافع خود می روند که این تضاد منافع باعث می شود عملاً گفت و گویی شکل نگیرد. وقتی شهروند در گفتمان با مدیریت شهری، جای خود را به مالک عرصه می دهد، می آموزد با خلاف قوانین ساختن، منافع بیشتری از فضا و عرصه عمومی شهر ببرد. این روند به تدریج در فضای معماری به گونه ای بروز می یابد که در کنار آن رقابت باعث می شود از هر چیزی که هر روز مد شد تبعیت کند؛ مثلاً یک روز نمای سیمان سفید، یک روز سنگ، یک روز کنیگسک و...

جای خالی رصدخانه شهری

نبود رصدخانه شهری یکی از مشکلات ماست؛ مکانی که شهر را مثل یک موجود زنده رصد کند، مثل پزشک بالینی که باید نسخه مناسبی برای هر بافت از شهر بنویسد. البته فراموش نکنیم نسخه هر بافتی با بافت دیگر متفاوت است و زیر ساخت های همه این ها اجتماعی است و تقریباً هیچ گاه کالبدی نیست. باید از داده های اجتماعی به زیر ساخت های کالبدی و شهری برسیم؛ هر بار در حوزه مدیریت شهری از این اتفاق غافل شده ایم. ضررش را دیده ایم. مصداق این موضوع به ۷۰ سال قبل

استاندارد را باید تولید کرد



تا زمانی که وارد کننده استاندارد با شیم، اوضاع به همین منوال است. استاندارد ها در مقطعی، در کشور دیگری و برای مسئله دیگری تولید می شوند و تا ترجمه می شوند و به دست مامی رسند، در آن کشور مبدل منقضی شده اند و عملاً به درد ما هم نمی خورند؛ چون مسئله ما نیستند. خوب است جامعه معماری بیدر که مبنای معماری، سلیقه نیست.

معنا کنیم



در جامعه معماری ما صدایی واحد وجود ندارد. مردم نمی دانند مثلاً درباره عبارت «معماری ایرانی اسلامی» با چه مفهومی از معماری روبه روه هستند؛ باستانی، سنتی، ایرانی، اسلامی، معماری مبتنی بر حدیث یا گونه ای دیگر؟ متأسفانه در کشور ما هر معماری با هر سبکی می تواند دست به طراحی بزند و این فرصت، تبدیل به تهدید شده است، با هر آدمی از هر صنفی می تواند بساز و بفروش شود. این مسئله خیلی تلخ است.

معماری می تواند

در حل مسائل فرهنگی اجتماعی و شهری پاسخ گو باشد

محمد هادی عرفان، مهندس معمار و مدرس دانشگاه؛

شهرهای بومی بزرگی مانند مشهد نیازمند ضابطه های هست برای نما و منظر شهری هستند. در حوزه معماری بومی ضابطه های بسیار کمی هست و اگر معمار به دنبال پیاده سازی معماری اسلامی ایرانی باشد، گفتمان ضابطه ای وجود ندارد و به مشاهده آن، تلقی معماری اسلامی ایرانی داشته باشیم.